

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۱۹

احمد فواد ارسلان

## کنترول نفت، کنترول چین: ستراتیژی بزرگ در هرمز



بدنه روبه رشد تحلیل‌ها در میان محافل سیاست‌گذاری، اقتصاددانان انرژی و مفسران ستراتیژیک به نتیجه‌ای اشاره دارد که بسیاری هنوز از پذیرش آن پرهیز می‌کنند: اگر ایالات متحده بتواند جنگ ایران را با موفقیت به پایان برساند و کنترول خود را بر تنگه هرمز تثبیت کند، تنها یک منازعه منطقه‌ای را نبرده است، بلکه در رقابت قدرت‌های بزرگ با چین به یک پیروزی قاطع دست یافته است.

این امر تصادفی نیست؛ ساختاری است.

### ۱. تنگه هرمز مرکز ثقل آسیب‌پذیری چین است

اقتصاد مدرن چین بر انرژی وارداتی متکی است و این وابستگی از نظر جغرافیایی در یک گلوگاه متمرکز شده است.

- تقریباً نیمی از واردات تیل چین به جریان‌هایی وابسته است که از تنگه هرمز یا زنجیره‌های تأمین ایران و ونزوئلا عبور می‌کنند
- بیش از ۸۰٪ تیل و گاز مایع (LNG) عبوری از هرمز به بازارهای آسیایی می‌رود که به‌طور نامتناسب چین و هم‌تایانش را تحت تأثیر قرار می‌دهد
- خود این تنگه حدود یک‌پنجم تجارت جهانی تیل را انتقال می‌دهد

این تنها یک آمار اقتصادی نیست؛ یک وابستگی ستراتیژیک است. پایه صنعتی چین، لوژستیک عسکری و سیستم صادراتی آن همگی به جریان بی‌وقفه انرژی از خلیج متکی‌اند.

جنگ ایران شکنندگی این سیستم را آشکار کرده است. با اختلال در کشتیرانی و جهش قیمت‌ها، هرگاه هرمز مورد منازعه قرار گیرد، چین با فشار فوری و سیستمی مواجه می‌شود.

### ۲. ستراتیژی امریکا درباره ایران نیست، درباره کنترول جریان انرژی چین است

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

چندین تحلیل به یک نکته کلیدی همگرا می‌شوند: هدف عملیاتی ممکن است ایران باشد، اما هدف ستراتیژیک چین است.

- اقدامات امریکا با هدف «کنترول صادرات انرژی از طریق تنگه هرمز» و محدود ساختن نفت ارزان ایران برای چین انجام می‌شود
- محاصره دریایی مستقیماً دسترسی چین به تیل ارزان ایران و نفوذ منطقه‌ای آن را تهدید می‌کند

این امر کل منازعه را تعریف دوباره می‌کند. ایران نقطه پایان نیست، بلکه اهرم است.

اگر واکنش بتواند:

۱. ظرفیت عسکری ایران را تضعیف کند
  ۲. کنترول دریایی بر هرمز را اعمال نماید
  ۳. جریان‌های انرژی پس از جنگ را آرایش دوباره بدهد
- آنگاه اهرم فشار قهری بر بزرگترین واردکننده انرژی جهان، یعنی چین به دست می‌آورد.

### ۳. جنگ انرژی، ستراتیژی جدید مهار است

برخلاف مهار در دوران جنگ سرد، اینجا بحث اتحادهای سرزمینی نیست؛ بحث تسلط بر زنجیره‌های تأمین است.

این ستراتیژی نوظهور سه ستون دارد:

#### (الف) کنترول گلوگاه‌ها

محاصره هرمز نشان می‌دهد که قوای بحری امریکا می‌تواند انتقال انرژی جهانی را در هر زمان مختل یا تنظیم کند.

#### (ب) جایگزینی انرژی

ایالات متحده همزمان در حال تبدیل شدن به یک تأمین‌کننده انرژی امن‌تر و مسلط‌تر است و وابستگی جهانی به مناطق بی‌ثبات را کاهش می‌دهد.

#### (ج) پیوند ستراتیژیک

واکنشگن ثبات شرق میانه را مستقیماً به روابط امریکا-چین گره می‌زند و پیکنگ را وادار می‌کند در چارچوب شرایط امریکا وارد تعامل شود.

این همان ستراتیژی کلان کلاسیک است: نه رویارویی مستقیم، بلکه بهره‌برداری از وابستگی‌های اساسی رقیب.

### ۴. معضل ستراتیژیک چین: قدرت بدون دسترسی

عکس‌العملچین محتاطانه بوده و در عین حال افشاگر.

- پیکنگ خواهان ثبات و حفاظت از کشتیرانی شده، نه تقابل
- این کشور ناچار است میان وابستگی انرژی و دکترین عدم مداخله خود توازن برقرار کند

د پانو شمیره: له 2 تر 4

این یک ضعف بنیادی را آشکار می‌سازد:

چین یک قدرت جهانی است که نمی‌تواند مسیرهای انرژی خود را بدون خطر تشدید تنش با ایالات متحده تأمین کند. حتی افزایش حضور دریایی یا فشار دیپلماتیک نیز این مشکل را حل نمی‌کند. جغرافیا ثابت است و کنترل آب‌های آزاد در اختیار قوای بحری امریکا است.

#### ۵. اگر امریکا در ایران پیروز شود، نظم جهانی را بازسازی می‌کند

پایان موفق جنگ نه صرفاً آتش‌بس، بلکه کنترل پایدار بر هرمز و ظرفیت ایران عواقب زنجیره‌ای خواهد داشت:

#### نتایج ستراتیژیک

- آسیب‌پذیری انرژی چین به یک اهرم دائمی تبدیل می‌شود
- برتری امریکا از تفوق نظامی به کنترل سیستمی تغییر می‌کند
- متحدان آسیایی (جاپان، هند، کوریای جنوبی) به ضمانت‌های امنیتی امریکا نزدیک‌تر می‌شوند

#### نتایج اقتصادی

- سرمایه جهانی به سوی سیستم‌های انرژی تحت کنترل یا حفاظت امریکا سوق می‌یابد
- مدل رشد چین با محدودیت‌های اساسی ناشی از ناامنی انرژی مواجه می‌شود

#### نتایج جیوپولیتیک

- شرق میانه کمتر میدان جنگ و بیشتر موضع ستراتیژیک در رقابت امریکا و چین می‌شود
- پیکنگ در سطح جهانی به موضعی عکس‌العملی سوق داده می‌شود

#### ۶. شرط حیاتی: موفقیت نیازمند تکمیل است

این ستراتیژی تنها زمانی کار می‌کند که امریکا جنگ را به‌طور قاطع به پایان برساند.

تحلیلگران هشدار می‌دهند که شکست نه از میدان جنگ، بلکه از پایان زود هنگام تحت فشار اقتصادی ناشی خواهد شد.

اگر امریکا:

- فشار را خیلی زود کاهش دهد
- به ایران اجازه بازسازی ظرفیت بدهد
- نتواند کنترل جریان‌های انرژی را تهدابی کند

آنگاه برتری ستراتیژیک از بین خواهد رفت.

#### جمع‌بندی: جنگی منطقه‌ای با عواقب جهانی

آنچه در ظاهر یک منازعه شرق میانه‌ای است، در واقع نقطه عطفی در جیوپولیتیک قرن بیست‌ویکم است.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

- ایران میدان نبرد است
- هرمز مکانیزم است
- چین هدف واقعی است

اگر ایالات متحده بتواند جنگ را با موفقیت به پایان رسانده و کنترل معماری انرژی خلیج را تثبیت کند، به چیزی بسیار فراتر از مهار یک رژیم دست می‌یابد:

اهرم فشاری پایدار بر بزرگترین رقیب برتری جهانی خود.

این یک پیروزی تاکتیکی نیست؛

این تحقق یک استراتژی کلان است.



آرشیف: مطالب نشرشده محترم احمد فواد ارسلا

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ